

آقای ترامپ و دارایی های ایران

بخش آخر

\$\$\$

امیرفیض - حقوقدان

در بخش نخست این تحریر 'به ۴ مورد از اظهارات آقای دانالد ترامپ نسبت به مبلغ دارایی های بلوکه شده ایران نزد آمریکا اشاره و استناد گردید و توجه آن تحریر متوجه این مطلوب بود که چگونه و چرا میتوان از اظهارات آقای دانالد ترامپ بسود کشورمان استفاده کنیم؛ ولی موضوع موقعیت جمهوری اسلامی در رابطه به دارایی های بلوکه شده ایران در آمریکا فرصت طرح مطلوب آن تحریر را نداد و اکنون آن فرصت پیش روست.

چرا اطلاعات آقای دانالد ترامپ مهم است

پرونده دارایی های بلوکه شده ایران در آمریکا از نظر میزان و مبلغ آنقدر مغشوش است که شاید بتوان گفت؛ تنها مورد در جهان حسابداری کشورهاست. این اشکال را نمیتوان به حساب نارسائی های فنی و یا اداری و سیاسی گذاشت بلکه علت آن دو امر است:

۱- یکی اینکه بطور طبیعی هر بدهکاری سعی دارد بهر قسم که هست از بدهکاری خود بکاهد. مانع این امر مقاومت بستنکار است که اگر بستنکار بدلائلی که مربوط به خودش است نخواهد و یا نتواند در مقابل اقدامات بدهکار مقاومت و ایستادگی کند مانند جمهوری اسلامی که ناظریم و در مقابل تراشیدن مکرر دارایی های بلوکه شده ایران از سوی آمریکا مقاومتی نمیکند میدان مناسبی برای بدهکار برای تاخت و تاز و گذشتن از مبلغ واقعی بدهی خود فراهم میشود.

۲- مورد دوم که قابل اهمیت است در حالت جنگی که جمهوری اسلامی بین خود و آمریکا و متقابلا آمریکا با جمهوری اسلامی اعلام کرده است این حالت سبب میشود که طرف آمریکائی نتواند آمریکا را در موقعیتی قرار دهد که ایجاد استعداد مالی برای کشور طرف مخاصمه (جمهوری اسلامی) بنماید و احتیاط بر اینکه آمریکا در مقابل کشوری که در حالت جنگ با اوست بدهکار شناخته نشود و حتی برعکس آن رفتار شود، یک روش معمول است.

*** اگر خواسته شود که موضوع دارایی های بلوکه شده ایران در مقام تشبیه قرار گیرد مانند آنست که مال و منال شخصی که بوسیله دزدی ربوده شده (جمهوری اسلامی) زیر کلید و گروگان شخص دیگری (آمریکا) افتاده باشد در حالیکه اساسا آن مال و منال متعلق به شخص ثالثی است (صاحبان حقیقی ایران).

در این حالت آن دزد غاصب اموال که جمهوری اسلامی است تلاش دارد بی سروصدا به هر مقدار از دارائی های سرقت کرده خود برسد و در واقع با گروگان گیری با آن ثروت معامله کند.

آمریکا هم چون میدانند که موقعیت جمهوری اسلامی از باب تعلق به دارائی های بلوکه شده چیست (در قسمت نخست این تحریر توضیح داده شده است) سعی دارد ثباتی به مبلغ دارائی های ایران داده نشود که ایجاد تعهد کند بهمین دلیل است که دو کلمه حرف ورقم یک جور ویاحتی نزدیک بهم از سوی مقامات آمریکائی در مورد میزان دارائی های بلوکه شده در دست نیست در حدی که اهل تحقیق در این مورد واقعا سردرگم میماند. تفاوت نظرات محافل ویا شخصیت های آمریکائی هم طوری نیست که بحث اشتباه و عدم مسئولیت را متوجه آنها دانست.

امتیاز مهم در اعتراف آقای دانالد ترامپ

آقای دونالد ترامپ سه بار خودشان و یکبار هم فرزندشان بنقل از پدرش میزان دارائی های بلوکه شده ایران در آمریکا را ۱۵۰ میلیارد دلار اعلام کرد در حالیکه سوابق تحقیق در مورد دارائی های بلوکه شده ایران نشان میدهد که قرینه این اعتراف و اعلام مکرر آن در اعلامات شخصیت های دیگر آمریکائی دیده نمیشود.

آقای اوپاما دوبار بر رقم ۱۰۰ میلیارد دلار دارائی های بلوکه شده ایران تاکید کرد (توافقنامه ژنو) یکبار هم در گفتگوی با روزنامه نیویورک تایمز رقم دارائی های بلوکه شده ایران را ۱۵۰ میلیارد دلار دانست و گفت:

> ۱۵۰ میلیارد دلاری که ایران خواهد گرفت پول باد آورده نیست بلکه پول خود ایران است که از فروش نفت بدست آورده بود که صرفا بعلت تحریم ها مسدود شده است. تنها دلیلی که تاحال ایران نتوانسته آن را بدست آورد به خاطر من و دولت من بوده که گفته ایم باید آنرا متوقف کنیم<

(از مصاحبه باراک اوپاما با نیویورک تایمز)

که بعد از آن تاکید، آقای اوپاما یکباره رقم مزبور را به ۵۰ میلیارد تقلیل داد و عجیب تر اینکه آقای اوپاما <در دیدار با قانونگذاران آمریکائی به آنها اطمینان داد میزان پولی که در صورت توافق آزاد میشود ۱۰ میلیارد دلار است و خبرها مبنی بر اینکه این پول ۵۰ میلیارد دلار است صحت ندارد>.

این نوسان بی دلیل در اظهارات آقای اوپاما، در اظهارات سایر شخصیت های آمریکائی هم موج است.

در این بازار مشوش و مغشوش میزان دارائی های بلوکه شده ایران اظهارات آقای دانالد ترامپ میتواند روزنه امیدی در حد اقل باشد و اگر ایشان به مقام ریاست جمهوری آمریکا برسد که این اعلام ایشان نور علی نور و اگر هم نرسد بهر حال یک استنادی است که جای <کاجی بهتر از هیچ چیز> را میگیرد.

مستند استفاده از اعتراف آقای دانالد ترامپ

در همین سال جاری مسیحی خزانه داری دولت آمریکا مبلغ یک میلیارد و هفتصد میلیون دلار از دارائی های بلوکه شده ایران را آزاد کرد.

دولت آمریکا علت این رفع محدودیت از دارایی های بلوکه شده ایران را حسن نیت آمریکا به حل و فصل اختلافات گذشته عنوان کرد.

عنوان آمریکا واقعیت نداشت زیرا نه بهبود روابط بین ایران و آمریکا دیده شد و نه اعلام حالت مخاصمه و جنگ بین دوکشور ایران و آمریکا و برعکس کمی آرام گرفت.

سردارنقدی از فرماندهان سپاه مبلغ مزبور را فدییه دانست که از آمریکا بمناسبت آزاد ساختن ملوانان آمریکائی دریافت شده است.

آقای جابر انصاری سخنگوی وقت وزارت خارجه جمهوری اسلامی در بیان مبلغ مزبور چنین توضیح داد:

>قبل از انقلاب، دولت وقت ایران مبلغ ۴۰۰ میلیون دلار برای قرارداد های تسلیحاتی به آمریکا پیش پرداخت نمود وقتی قرارداد های مزبور بوسیله بختیار لغو شد آمریکا بیعانه ایران را مسترد ساخت و سه دهه مذاکرات جریان داشت اخیرا آمریکا قبول کرد (۱) که مبلغ مزبور را علاوه بر خسارات (۲) تاخیر تادیه به ایران بپردازد که اصل پول ۴۰۰ میلیون دلار و یک میلیارد و سیصد هزار دلار بهره ۴۰۰ هزار دلار بوده است.<

دستاوردهای حقوقی

نخستین دستاورد حقوقی از جریان بالا، گردش موضوع در محور خسارات و مسئولیت ناشیه از آن از سوی آمریکاست. یعنی اصل وجود مسئولیت و تامین و جبران کشور زیان دیده در مقام رعایت و اصلیت قرار گرفته است و همانطور که بر معامله خرید سلاح و پیش پرداخت آن خسارت تعلق گرفته و بنفع ایران ملاک عمل واقع شده، به دارایی های بلوکه شده ایران نیز که به اعتبار قانون <تحریم نفت ایران سال ۲۰۱۱> از سوی آمریکا به اجرا گذاشته شده خسارت تعلق میگیرد.

تفاوت خسارات در دو مورد ذکر شده

*** در مورد پیش پرداخت معامله تسلیحات نظامی، دولت آمریکا خسارات ایران را از باب بهره متعلقه به مبلغ ۴۰۰ میلیون دلار بمدت ۴۸۰ ماه (از سال ۱۳۵۵ تاکنون) محاسبه کرده است. شاید این طریق محاسبه راهی بوده که قرارداد خرید تسلیحات بر آن صحنه گذاشته بوده ولی خسارات وارده به ایران از باب بلوکه کردن دارایی ها و عوائد نفتی ایران از سوی آمریکا تفاوت فاحشی وجود دارد.

*** تفاوت مهم در نوع خسارات ناشیه از مسئولیت است به این توضیح که خسارات ناشیه از تاخیر دین از طریق تعلق بهره محاسبه و بنفع زیان دیده جبران میشود و خسارت تعدی به حقوق دیگران و یا خودداری از انجام تعهد از طریق کارشناسی و امثال آنها صورت میگیرد.

*** خسارات ناشیه از مسئولیت بصور و کیفیت های گوناگونی ممکن است تحقق یابد که یکی از آن موارد که مورد استناد و تطبیق با مورد بلوکه کردن دارایی های ایران است خسارات ناشیه از اعمالی است که یک طرف قضیه با علم و آگاهی از آنکه اقداماتش سبب زیان ثالث میشود به انجام آن مقدم میشود مانند همین قانون تحریم نفت ایران که در آمریکا تصویب شده و یا قانون ملی شدن نفت ایران که دولت مصدق با قبول اصل مسئولیت و جبران خسارات شرکت نفت انگلیس، به اجرای آن قانون دست زد.

*** دولت آمریکا بهر ملاحظه که تصور شود اعم از تامین منافع ملی کشورش و یا احتمالات دیگر همانطور که با وضع قانون تحریم نفت ایران به ملاحظات مورد نظرش رسیده یا نرسیده مسئول خسارات وارده به ایران بمناسبت تحریم های نفتی خواهد بود بعبارت دیگر آمریکا حق دارد برای تامین منافع ملی کشورش قوانینی وضع کند ولی این چنین حق حاکمیتی مجاز نمیسازد که به حقوق کشورهای دیگر لطمه ای وارد شود در حقوق داخلی هم محدودیت اصل حاکمیت دولتها نسبت به مردم داخل کشور جاری است یعنی اگر دولت حق دارد برای شهرسازی و یا مسائل دیگر قسمتی از شهر را دگرگون و یاراه سازی کند حق تامین خسارات مردم و زیان دیدگان هم محفوظ است

علاوه بران، آرای دیوان دادگستری بین المللی سندی است که مسئولیت کشورها را در جبران خسارات کشورهای دیگر ثبت و ربط داده است و همچنین است قطعنامه های سازمان ملل متحد در جبران خسارات کشورها از ناحیه کشورهای دیگر

*** مقصود از ایستادگی روی مسئله خسارات این است که اقدام آمریکا به تحریم نفت ایران و در نهایت بلوکه شدن پولهای نفت متعلق به ایران که بنا بر اقرار موجود ۱۵۰ میلیارد دلار است مشمول خسارات میگردد.

حاشیه واکنش

در جریان تنظیم این تحریر یادم آمد که هنگام وضع قانون تحریم در کنگره آمریکا، جمهوری اسلامی ساکت نماند و واکنشی نشان داد که خوشبختانه به آن دسترسی شد.

بهمنی رئیس بانک مرکزی گفت <دنبا به آمریکا میخندد> (خبرگزاری جمهوری اسلامی دیماه سال ۱۳۹۰).

دیدیم که نه تنها دنیا نخندید بلکه از آمریکا تبعیت هم کرد.

رحیمی معاون رئیس جمهور وقت جمهوری اسلامی گفت: <اگر نفت ایران تحریم شود حتی یک قطره نفت از تنگه هرمز نخواهد گذشت. (عصر ایران ششم دیماه ۱۳۹۰).>

دیدیم که جمهوری اسلامی حتی جلوی یک قطره نفت رانتوانست بگیرد و در عوض آمریکا جلوی حتی یک دلار پول نفت ایران را هم گرفت و هم نفت ایران را تحریم کرد و هم هیچ خللی در ترافیک نفت در خلیج فارس ایجاد نشد.

این حاشیه نشانی است از گنده گوییها و قمپوزهای جمهوری اسلامی که مدام تکرار میشود (پایان حاشیه)

ماهیت خسارات ایران

مبنای تعلق خسارات ایران قانون تحریم نفت ایران است نه بلوکه کردن دارایی ها و عوائد نفت ایران
 تعلق خسارت و محاسبه آن همواره از طریق ریشه و علت آن انجام میگیرد و از این طریق به شاخ و برگهایی که از ریشه و مبنای خسارت جان حقوقی یافته اند رسیدگی و محاسبه و تعیین خسارت میشود. بلوکه کردن دارایی های ایران از اثرات قانون تحریم نفت ایران مصوبه کنگره است (نه قطعنامه های شورای امنیت) که محاسبه خسارات آن مشمول قاعده تاخیرتادیه است که براساس سرمایه ۱۵۰ میلیارد دلار با نرخ بهره بانک جهانی در مدت ۵ سال (تاریخ تصویب قانون تحریم نفت تا سال ۲۰۱۶) محاسبه میشود و کاری است اداری.

بنابراین مجموعه خسارات وارده به ایران که جبران آن در مسئولیت امریکاست متوجه دومورد است:

یکی بهره متعلقه به دارایی های بلوکه شده ایران نزد آمریکا

دوم – خسارات تمامی زوایای اجرای قانون تحریم نفت ایران که این مورد امری فنی بوده و باید

بوسیله متخصصین، آن زوایا شناخته و محاسبه شود که چه مقدار سب ورود خسارات از هر قبیل اعم

از اقتصادی و اجتماعی (بیکاری) و بازار نفت و مسائل مشابه که تشخیص آنها با متصدیان و کارشناسان

است خواهد بود.

تکلیف ایوزیسیون جمهوری اسلامی

در انجام این کار فنی اگر جمهوری اسلامی رغبتی به ورود به آن ندارد و یا نمیخواهد بار مسئولیت آمریکا را سنگین کند؛ ایوزیسیون جمهوری اسلامی اگر مقید به حفظ منافع کشور باشد تکلیف دارد که با استفاده از متخصصین خارجی و ایرانی دفتری برای بررسی خسارات وارده به ایران در اثر تحریم های نفتی بوجود آورد که میدان بلا متنازع فعلی از اسباب مسلم تضییع حقوق ملت ایران خواهد شد.

ایوزیسیون فراموش نکند که نقش موثری از باب تشویق آمریکا در تحمیل تحریم ها به ایران داشته است (واقعیت منحوسه که بوسیله آقای اوباما هم تائید شده است). اکنون فرصتی است که میتواند در مقام جبران مافات قرار گیرد و در مجموع، یک صدم تلاشی که برای تجزیه و فدراتیو کردن ایران معمول میدارد صرف تامین حقوق حقه ملت ایران بنماید.